

رفاه اقتصادی خانوارهای کشور

سید احمد نخجوانی

تغییر و تحولات رخ داده در کیفیت زندگی مردم کشورهای توسعه یافته جهان را باید مرهون برنامه ریزیهای صحیح و شایسته گردانندگان اقتصاد این کشورها دانست. بی گمان با واگذاری همه امکانات کشور و دادن اختیار قانونگذاری و تعیین تکلیف برای همه به دست گروهی به عنوان گردانندگان جامعه، انتظار بر این است که اقتصاد ملی به گونه ای راهبردی شود که هرآینه رفاه اقتصادی و شرایط زندگی مردم بهبود یابد.

براین اساس، بررسی روند دگرگونی رفاه اقتصادی خانوادها طی زمان بسیار جالب به نظر می رسد و از آن می توان به عنوان شاخصی برای سنجش موفقیت مدیریت اقتصاد و میزان دستیابی به اهداف متصور راهکارهای توسعه بهره جست.

با توجه به اهمیت این موضوع، درنوشته حاضر تلاش می شود شرایط اقتصادی زندگی خانوارهای کشور در سال ۱۳۸۰ با نگاهی گذرا به آنچه طی بیست سال گذشته پس پشت نهاده شده است، بررسی شود.

مقدمه

بررسی رفاه اقتصادی خانوارهای کشور نیازمند وجود شاخصهایی است که به شایستگی رفاه زندگی این گروه را نشان دهد. یکی از شاخصهایی که می تواند برای این مهم به کار آید شاخص مصرف و درآمد در سطح خانوارهای کشور است؛ اما مشکل این جاست که آمار میزان مصرف کالاها در سید مصرفی خانوارها وجود ندارد، به همین دلیل، می توان از آمار ریالی مصرف استفاده کرد، که البته برای آنکه بتوان از این آمار به عنوان بدیلی برای میزان مصرف کالاها استفاده کرد، باید تورم از آنها زدوده شود. آمار مورد بررسی آمار هزینه درآمد

خانوارهای کشور است که از سوی مرکز آمار ایران منتشر شده به وسیله شاخصهای مختلف قیمت (به سال پایه ۱۳۶۹) تورم زدای (Deflating) شده است.

شایان ذکر آن که در آمار رسمی کشور، هزینه خانوارها به دو دسته هزینه های خوراکی و دخانی و هزینه های غیر خوراکی تقسیم شده است. خانوارها نیز به صورت دو گروه شهری و روستایی در نظر گرفته شده اند که در این جا از همین قاعده استفاده خواهد شد، زیرا می تواند دقت بررسیها و برداشتها را افزایش دهد.

۱) مصرف کالاهای خوراکی خانوارهای شهری

در مباحث اقتصاد خرد این گونه بحث می شود که کشش درآمدی تقاضای کالاهای خوراکی کوچک تر از یک است و بدین لحاظ با افزایش یا بهبود درآمد مصرف کنندگان، تقاضا یا مصرف کالاهای خوراکی همان اندازه رشد نمی کند. همچنین، این نکته مطرح می شود که کشش درآمدی تقاضای کالاهای خوراکی در سطح پایین درآمدی بالاتر از سطوح بالایی آن است. بر این اساس، می توان انتظار داشت که طی مراحل اولیه توسعه، مصرف کالاهای خوراکی خانوارها روندی یکسره فزاینده داشته باشد و پس از رسیدن به یک سطح مطلوب، رشدی آرام و با ثبات را طی کند. به عنوان مثال، بررسیها نشان می دهد که طی سه دهه (یعنی سالهای ۱۹۶۰-۱۹۹۰) در تایوان، مصرف سالانه گوشت، ماهی و میوه از ۱۶، ۲۳ و ۲۰ کیلوگرم به ۶۶، ۴۲ و ۱۰۰ کیلوگرم رسیده در همین مدت، مصرف سیب زمینی هر نفر از ۶۲ کیلوگرم در سال به ۲ کیلوگرم کاهش یافته است. (هونگ و بویس، ۱۹۹۶) بنابراین، با نگاه به آمار کشوری همچون تایوان هم می توان به کارکرد مناسب اقتصاد ملی این کشور پی برد وهم دریافت تا چه اندازه ای رفاه اقتصادی مردم تایوان بالا رفته است.

با این همه، هزینه واقعی خوراکی و دخانی خانوارهای شهری در ایران که برای سالهای ۱۳۶۱-۱۳۸۰ در نمودار شماره یک ترسیم شده است، نشان می دهد که این هزینه از سال ۱۳۶۲ تا کنون روندی کاهنده داشته، به گونه ای که این هزینه ها از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۸۰ نزدیک به ۴۴ درصد کاهش یافته است؛ این نشان کاهش شدید مصرف مواد خوراکی

خانوارهای شهری است. این مسئله حتی می تواند به نوعی نشان دهنده بروز سوء تغذیه درخانوارهای شهری باشد. بدیهی است که چنین شرایطی از یک سو، نشان از وجود مشکلات اساسی در اقتصاد کشور واز سوی دیگر، حکایت از فقر و کاهش رفاه اقتصادی خانوارهای شهری دارد.

برای بررسی مصرف در کشور، می توان از این نیز بیشتر دقیق شده و به سراغ جزئیات مصرف کالاهای خوراکی رفت. جدول شماره ۱مبتنی بر همین هدف محاسبه و منعکس شده است.

این جدول به روشنی بحران مصرف کالاهای خوراکی خانوارهای شهری را طی دو دهه اخیر نشان می دهد. کاهش ۵۲ درصدی مصرف (یا هزینه واقعی) گوشت، کاهش ۶۲ درصدی مصرف میوه و سبزی، همه وهمه نشان مشکلات اقتصادی خانوارهاست؛ به همین ترتیب، می توان آثار کاهش مصرف آنان را بر بخشهای اقتصادی پیش بینی کرد.

جدول یک: رشد اقلام عمده هزینه سالانه خوراکی خانوارهای شهری در دوره ۱۳۶۱-۱۳۸۰

شرح	سال ۶۱ ریال جاری	سال ۸۰ ریال جاری	سال ۶۱ ریال سال ۶۹	سال ۸۰ ریال سال ۶۹	رشد واقعی
غلات، آرد، رشته و نان	۴۶۵۸۴	۱۳۹۲۸۸۰	۱۶۴۶۰۸	۱۳۶۹۵۹	-۱۶/۸٪
شیر، فرآورده های آن و تخم پرندگان	۴۲۷۳۲	۷۷۳۹۳۲	۱۵۰۹۹۶	۷۶۰۹۹	-۴۹/۶٪
روغن و چربیها	۴۷۱۳	۲۶۵۷۱۰	۱۶۶۵۳	۲۶۱۲۶	+۵۶/۸٪
میوه ها و سبزیها	۸۱۵۷۵	۱۰۹۸۳۰۸	۲۸۸۲۵۱	۱۰۷۹۹۴	-۶۲/۵٪
گوشت	۱۰۷۹۳۵	۱۸۴۱۲۱۵	۳۸۱۳۹۶	۱۸۱۰۴۴	-۵۲/۵٪
کل هزینه های خوراکی	۳۵۵۰۷۳	۷۱۶۶۳۸۶	۱۲۵۴۶۷۵	۷۰۴۶۵۹	-۴۳/۸٪

مأخذ: محاسبه شده بر اساس آمار سالنامه های آماری سال ۱۳۶۱ و ۱۳۸۰ و ناگرهای بانک مرکزی
بررسیها نشان می دهد که مصرف خانوارهای کشور تنها از دیدگاه کمی دگرگون نگشته، بلکه از نظر کیفی نیز تغییرات زیادی را تجربه کرده است. این تحولات را می توان در

جدول شماره ۲، مشاهده کرد. از این جدول این نکته قابل برداشت است که خانوارهای کشور طی دو دهه اخیر ساختار مصرف کالاهای خوراکی خود را تغییر داده اند، به گونه ای که تفاوت چشمگیری میان ساختار مصرف آنان در دهه ۶۰ و ۷۰ به چشم می خورد.

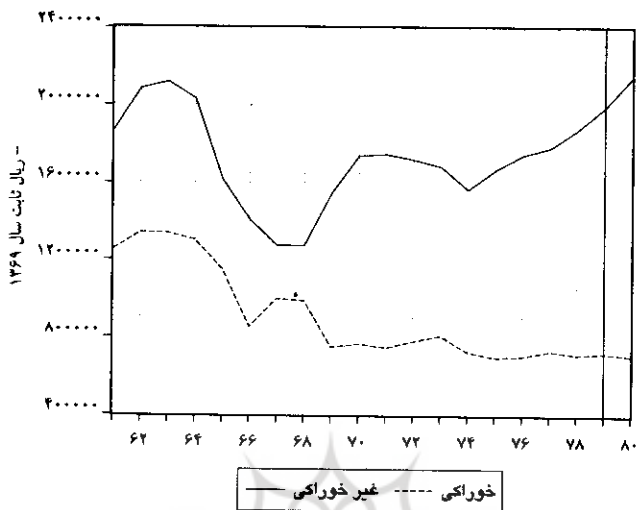
جدول دو: بررسی ساختار و سهم اجزای هزینه های خوراکی دهانی خانوارهای شهری

سال ۱۳۸۰	سال ۱۳۷۹	سال ۱۳۷۰	سال ۱۳۶۵	سال ۱۳۶۱	شرح
٪۱۹/۴	٪۱۹	٪۲۲/۵	٪۱۷/۲	٪۱۳/۱	آرد، رشته، غلات، نان و فرآورده های آن
٪۲۵/۷	٪۲۵	٪۲۵/۶	٪۳۲/۹	٪۳۰/۳	گوشت
٪۱۰/۸	٪۱۰/۴	٪۱۰	٪۱۰/۴	٪۱۲	شیر و فرآورده های آن و تخم پرندگان
٪۳/۷	٪۴	٪۴/۱	٪۲/۳	٪۱/۳	روغنها و چربیها
٪۱۵/۳	٪۱۶	٪۱۵/۴	٪۲۰	٪۲۲/۹	میوه ها و سبزیها
٪۴/۴	٪۵	٪۴/۵	٪۳/۱	٪۳	خشکبار و حبوبات
٪۸/۴	٪۸/۹	٪۷/۱	٪۴	٪۵/۵	قند و شکر، شیرینها، جای، قهوه و کاکائو
٪۱۲/۳	٪۱۱/۲	٪۱۰/۸	٪۹/۱	٪۱۱/۹	سایر کالاهای خوراکی و دهانی

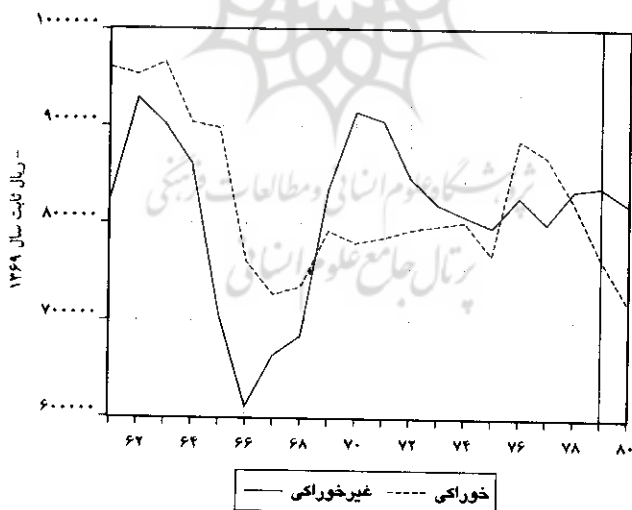
مأخذ: محاسبه شده بر اساس آمار سالنامه های آماری سال ۱۳۶۱ و ۱۳۸۰ و نماگرهای بانک مرکزی در جدول شماره ۲ مشخص است که سهم گوشت در مخارج خانواده های شهری از سی درصد در سال ۱۳۶۱ به ۲۵ درصد در سال ۱۳۸۰ سقوط کرده است و سهم میوه ها و سبزیها نیز از ۲۳ درصد در سال ۱۳۶۱ به ۱۵ درصد در سال ۱۳۸۰ کاهش یافته و در عوض سهم آرد، رشته، غلات، نان و فرآورده های آن از ۱۳ درصد به ۱۹ درصد افزایش یافته است. به کلام دیگر، بررسی ترکیب هزینه خوراکی خانوارهای شهری نشان می دهد که خانوارها به تدریج دیگر اقلام خوراکی را جایگزین گوشت و میوه ها کرده اند.

نگاه دوباره به جدول شماره ۲ و به نمودارهای شماره ۱ و ۲ مشخص می سازد که تغییر ساختار مصرف خوراکی خانوارها همواره در هنگام کاهش این هزینه ها رخ داده است.

نمودار یک: روند هزینه واقعی خوراکی و غیر خوراکی خانوارهای شهری



نمودار دو: روند هزینه واقعی خوراکی و غیر خوراکی خانوارهای روستایی



بنابراین، می توان ادعا کرد که دلیل اصلی تغییر الگوی مصرف مواد غذایی برای جبران فشارهای اقتصادی در بودجه خانوارها بوده است.
نکته شایان ذکر آنکه اگر چه ارقام هزینه خانوارها، تغییر ساختار مصرف مواد غذایی را در بودجه آنان نشان می دهد، اما نمی توان کیفیت مصرف مواد غذایی را به تصویر کشاند. بر این اساس و با کاهش مصرف و تغییر ساختار مصرف، حتی ممکن است کیفیت مصرف کالاهای خوراکی نیز افت کرده باشد.

۲) مصرف کالاهای خوراکی خانوارهای روستایی

همچون خانوارهای شهری، هزینه خوراکی و دخانی خانوارهای روستایی محاسبه و در نمودار شماره ۲ ترسیم شده است. مشاهده می شود که هزینه واقعی خوراکی خانوارهای روستایی هم مانند خانوارهای شهری نه تنها افزایش نیافته، بلکه نزدیک به ۲۵ درصد کاهش یافته است.

برای بررسی شایسته تر کاهش مصرف یا هزینه واقعی کالاهای خوراکی خانوارهای روستایی، جدول شماره ۳ محاسبه و طرح شده است. این جدول نشان می دهد که کاهش مصرف مواد غذایی خانوارهای روستایی بسیار کمتر از خانوارهای شهری بوده است.

جدول سه : رشد اقلام عمده هزینه سالانه خوراکی خانوارهای روستایی در دوره ۱۳۶۱-۱۳۸۰

شرح	سال ۶۱ ریال جاری	سال ۸۰ ریال جاری	سال ۶۱ ریال سال ۶۹	سال ۸۰ ریال سال ۶۹	رشد واقعی
غلات، آرد، رشته و نان	۸۵۶۱۳	۱۷۲۸۳۱۹	۳۰۲۵۱۹	۱۷۵۶۴۲	-۴۲٪
شیر، فرآورده های آن و تخم پرندگان	۳۷۲۹۹	۸۱۸۳۳۷	۱۳۱۷۹۹	۸۳۱۶۴	-۳۷٪
روغن و چربیها	۷۰۰۵	۳۵۶۹۵۷	۲۴۷۵۳	۲۶۲۷۶	+۴۶٪
میوه ها و سبزیها	۲۷۹۳۳	۹۷۲۰۴۶	۹۸۷۰۳	۹۸۷۸۵	٪۰
گوشت	۶۴۷۶۸	۱۵۷۳۱۸۹	۲۲۸۸۶۲	۱۵۹۱۸۷۶	-۳۰٪
کل هزینه های خوراکی	۲۷۱۸۵۴	۷۰۷۰۲۹۴	۹۶۰۶۱۵	۷۱۸۵۲۶	-۲۵٪

مأخذ: محاسبه شده بر اساس آمارسالنامه آماری سال ۱۳۶۱ و ۱۳۸۰ و نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی

نگاهی به ساختار هزینه خانوارهای شهری نیز می‌تواند جالب باشد. به این منظور، سهم اقلام تشکیل دهنده هزینه های خوراکی خانوارهای روستایی در جدول شماره ۴ منعکس شده است.

جدول چهار: بررسی ساختار و سهم اجزای هزینه های خوراکی دهانی خانوارهای روستایی

شرح	سال ۱۳۶۱	سال ۱۳۶۵	سال ۱۳۷۰	سال ۱۳۷۹	سال ۱۳۸۰
آرد، رشته، غلات، نان و فرآورده های آن	٪۲۱/۵	٪۲۱/۷	٪۲۶/۱	٪۲۴	٪۲۴/۴
گوشت	٪۲۳/۸	٪۲۶/۷	٪۲۲/۳	٪۲۲	٪۲۲/۲
شیر و فرآورده های آن و تخم پرندگان	٪۱۳/۷	٪۱۴/۳	٪۱۱/۶	٪۱۰/۷	٪۱۱/۶
روغنها و چربیها	٪۲/۵	٪۲/۸	٪۵	٪۵/۷	٪۵
میوه ها و سبزیها	٪۱۰/۲	٪۹	٪۱۲/۴	٪۱۴/۲	٪۱۳/۷
خشکبار و حیوانات	٪۳/۱	٪۲/۸	٪۴/۴	٪۴/۸	٪۴/۳
قندو شکر، شیرینها، چای، قهوه و کاکائو	٪۶/۵	٪۶/۴	٪۸/۸	٪۱۰	٪۹/۶
سایر کالاهای خوراکی و دهانی	٪۸/۷	٪۶/۳	٪۸/۶	٪۸/۶	٪۹/۲

ماخذ: محاسبه شده بر اساس آمار سالنامه های آماری سال ۱۳۶۱ و ۱۳۸۰ و نماگرهای بانک مرکزی
 دلیل این پدیده را که ساختار مصرف روستاییان کمتر از شهریان تغییر یافته است شاید بتوان این گونه توجیه کرد که گروه نخست از ابتدا نیز به دلیل فقر، اقتصادی ترین الگو را انتخاب کرده اند و امکانی برای روی آوردن به الگوهای اقتصادی تر را پیش رو نداشته اند.

۳) مصرف کالاهای غیر خوراکی خانوارهای شهری

اقلام عمده این نوع کالاها، عبارتند از پوشاک و کفش، مسکن، لوازم و اثاثیه، بهداشت و درمان، حمل و نقل و ارتباطات، تفریحات و سرگرمیها و خدمات فرهنگی. به طور کلی و با توجه به آن که برحسب تجربه، کسش درآمدی تقاضا برای بسیاری از کالاهای غیر خوراکی خانوارها بیش از یک است، با بهبود اوضاع درآمد جامعه در مراحل گذار توسعه، مصرف این

گونه کالاها روندی فزاینده خواهد داشت. انتظار بر این است که به دلیل وجود برنامه های توسعه و شکل گرفتن نیازهای جدید در زندگی روزمره مردم، هزینه واقعی غیر خوراکی خانوارها روندی فزاینده داشته باشد. با این همه بررسیها نشان می دهد که مصرف کالاهای غیر خوراکی خانوارهای شهری کشور (در نمودار شماره یک) طی دو دهه اخیر دچار رکود بوده، به گونه ای که با دگرگون شدن ساختار مصرف و ورود کالاهای جدید به سبد مصرفی خانوارها طی بیست سال گذشته، هزینه واقعی خانوارهای شهری تنها ۱۵ درصد بالا رفته است. حال آنکه بررسیهای بیشتر نشان می دهد این افزایش مربوط به بالا رفتن هزینه کالاهایی همچون بهداشت و درمان، حمل و نقل و تحصیل و آموزش بوده است. جدول شماره ۵ این موضوع را بهتر نشان می دهد.

در این جدول مشاهده می شود که در سالهای ۱۳۶۱ تا ۱۳۸۰، متوسط مصرف پوشاک و کفش خانوارهای کشور نزدیک به ۲۵ درصد و متوسط مصرف لوازم و اثاثیه آنان ۱۷ درصد پایین آمده است. در همین مدت، هزینه واقعی بهداشت و درمان خانوارها ۵۸ درصد، حمل و نقل خانوارها ۶۲ درصد و تحصیل و آموزش آنان ۱۴۳ درصد بالا رفته است. این مسئله، نکته های آموزنده ای را در پی دارد. اول آنکه کاهش همزمان کالاهای خوراکی خانوارها (که به آن اشاره شد) و کالاهایی همچون پوشاک و کفش و اثاثیه و ملزومات زندگی نشان دهنده کاهش چشمگیر رفاه اقتصادی خانوارها، ناتوانی ایشان در جذب کالاهای تولید شده بخشهای اقتصادی و توزیع فقر در جامعه است.

نکته دیگر آنکه تمرکز مصرف خانوارها طی دو دهه اخیر به سوی کالاهای بخش عمومی اقتصاد یعنی بهداشت و درمان، حمل و نقل و ارتباطات و تحصیل و آموزش رفته است. بی گمان، دسترسی به چنین کالاهایی حق مسلم مردم است. در حالی که شواهد موجود نشان آن است که چنین کالاهایی در اقتصاد ایران رقابت پذیر شده است. بیان چند نمونه می تواند به درک شایسته تر موضوع کمک کند. هم اکنون، همه افرادی که در طبقات پایین درآمدی قرار دارند، دیگر نمی توانند نیازهای بهداشتی و درمانی خود را آن طور که شایسته است در مراکز دولتی تأمین کنند.

جدول پنج : رشد اقلام عمده هزینه سالانه غیر خوراکی خانوارهای شهری در دوره ۱۳۶۱-۱۳۸۰

شرح	سال ۶۱ ریال جاری	سال ۸۰ ریال جاری	سال ۶۱ ریال سال ۶۹	سال ۸۰ ریال سال ۶۹ واقعی	رشد
پوشاک و کفش	۷۴۸۹۹	۱۹۳۹۷۶۴	۲۶۴۶۶۰	۱۹۹۳۵۹	-٪۲۴/۶
مسکن	۲۴۶۵۰۷	۸۹۲۹۲۱۴	۸۷۱۰۵۰	۹۱۷۶۹۹	+٪۵/۳
لوازم و اثاثیه و ملزومات و خدمات خانوار	۵۹۶۱۲	۱۷۰۰۹۳۲	۲۱۰۶۴۳	۱۷۴۸۱۳	-٪۱۷
بهداشت و درمان	۳۶۰۴۸	۱۹۶۲۲۳۷	۱۲۷۳۷۸	۲۰۱۶۶۸	+٪۵۸
حمل و نقل و ارتباطات	۵۲۹۷۳	۲۹۷۴۸۶۶	۱۸۷۱۸۰	۳۰۵۷۴۱	+٪۶۳/۳
تحصیل و آموزش	۷۵۴۰	۶۳۱۰۰۹	۲۶۶۴۳	۶۴۸۵۱	+٪۱۴۳
کل هزینه های غیر خوراکی	۵۲۸۳۹۶	۲۰۸۵۳۹۶	۱۸۶۷۱۲۳	۲۱۴۳۲۶۴	+٪۱۴/۸

مأخذ: محاسبه شده بر اساس آمار سالنامه های آماری سال ۱۳۶۱ و ۱۳۸۰ و نیز نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی در حقیقت ، به خوبی می توان به تفاوت چشمگیر کیفیت مراکز درمانی دولتی و خصوصی پی برد، درست به همین دلیل است که در کنار بیمارستانهای خصوصی کشور، افرادی مشاهده می شوند که به اجبار از مناطق دوردست کشور به شهرهای بزرگ مراجعه می کنند، و همزمان با درمان خویشاوند خود، شبها را در کنار خیابان یا سالنهای بیمارستان می گذرانند. در همین حال، در پاره ای از مناطق کشور، بدیهی ترین داروها یافت نمی شود، اما ثروتمندان می توانند بهترین متخصصان و امکانات درمانی را در اختیار داشته باشند. نمونه دیگر آنکه در بسیاری از روستاها و شهرهای کوچک، کیفیت آب آشامیدنی به گونه ای است که افراد پردرآمد آب معدنی یا آبهای تصفیه شده می خردند و دیگران که توانایی مالی این کار را ندارند، طعم نداری را در آب آشامیدنی خود احساس می کنند. حتی برای استفاده از کیفیت هوای مناسب تر باید بهایی را پرداخت. نمونه بارز آنکه در شهر بزرگی مانند تهران، افراد پردرآمد در مناطقی زندگی می کنند که آلودگی هوا به مراتب کمتر از مناطق فقیر نشین است. همچنین ، بسیاری از

افراد پردرآمد آن قدر بضاعت مالی دارند که برای دست یابی به نعمت هوای پاکیزه، روزهای تعطیل خود را در مناطق بیلاقی نزدیک شهر خود بگذرانند.

آموزش نیز به عنوان یک کالای بخش عمومی، کم کم خصوصی شده است. خانوارها برای اطمینان از کیفیت آموزش و شیوه برخورد با فرزندان خود به مدارس غیر انتفاعی سوق یافته اند و تعداد آنانی که با قرض گرفتن، هزینه صدها هزار تومانی یک ساله فرزند خود را می پردازند، کم نیست. ای کاش، هزینه آموزش به مدارس غیر انتفاعی خلاصه می شد، زیرا کلاسهای کنکور ماجرای دیگری است که خانواده ها برای ساختن آینده ای روشن برای فرزندان شان، مجبورند گاهی تا چند میلیون تومان صرف آن کنند. قبولی دانشگاه و تأمین هزینه دانشگاه برای آموزش فرزندان که باید یک کالای عمومی باشد، خود سرآغاز مشکلات اساسی برای خانوارهای فقیر است. بی گمان، بسیاری از خانوارهای کم درآمد باید از چنین امکاناتی چشم پوشند و بدین ترتیب، آنان که غنی ترند، بخت بیشتری را برای تربیت فرزندان خود خواهند داشت و این دور تسلسل ادامه می یابد و کم درآمدها، کمتر می توانند زمینه های ترقی اقتصادی و اجتماعی خود را بیابند و شرایطی را که تا به حال با آن دست به گریبان بوده اند، تغییر دهند.

وضعیت حمل و نقل نیز همچون دیگر کالاهای یاد شده است. به سخن واضح تر، انتظار بر این است که افراد جامعه حتی اگر فقیر باشند بتوانند از حمل و نقل عمومی استفاده کنند، این در حالی است که کیفیت حمل و نقل شهری آن قدر پایین است که گاهی استفاده از آن ناممکن می نماید. ایستادن طولانی در صف اتوبوس به عنوان یگانه وسیله حمل و نقل ارزان قیمت شهری و ازدحام باور نکردنی مردم، دلیل ساده ای است که خانوارهای کم درآمد شهری را به استفاده از خودروهای مسافربر و می دارد. جالب آن است که در چنین شرایطی، سازندگان وسایل نقلیه که متعلق به دولت است، به جای اینکه به دنبال عرضه خودروهای ارزان قیمت باشند، ترجیح می دهند خودروهایی با قیمت ۲۰ تا ۵۰ میلیون تومان را به بازار عرضه کنند که

حتی افراد متعلق به بالاترین دهکهای درآمدی نیز به سختی و با اتکا بر داراییهای گذشته خود قادر به خرید آنها هستند.

مقایسه همزمان هزینه واقعی کالاهای خوراکی و غیر خوراکی خانوارهای شهری در نمودارهای ارائه شده مشخص می کند که این دو متغیر، از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۸ روندی همسان و کاهنده داشته اند، ولی پس از سال ۱۳۶۸ هزینه غیر خوراکی رو به افزایش گذاشته است و مخارج خوراکی همچنان کاهش نشان می دهد. در حقیقت، چنین به نظر می رسد که خانوارهای شهری برای تأمین هزینه های غیر خوراکی، از مخارج خوراکی خود کاسته اند. آمار نشان می دهد که سهم مخارج خوراکی در کل مخارج خانوارها از ۴۰ درصد در سال ۱۳۶۱ به ۲۵ درصد در سال ۱۳۸۰ کاهش یافته است. چنانچه این فرضیه درست باشد، این مسئله را چنین می توان توجیه کرد که در سالهای جنگ، خانوارها به دلیل کمبود درآمد و محدودیت عرضه کالاها از خرید بسیاری از کالاها بادوام محروم بوده اند، پس از پایان جنگ با صرفه جویی در مخارج خوراکی به برآوردن نیازهای تأمین نشده گذشته خود پرداخته اند.

۴) مصرف کالاهای غیر خوراکی خانوارهای روستایی

بررسیها نشان می دهد که مخارج واقعی غیر خوراکی خانوارهای روستایی (در نمودار دو) با وجود نوسانات فراوان، در سال ۱۳۸۰ پایین تر از سطح سال ۱۳۶۱ بوده است. مباحث مطرح شده درباره خانوارهای شهری برای خانوارهای روستایی نیز صدق می کند و چنین برداشت می شود که با وجود تغییر چشمگیر الگوهای مصرف روستایی در دو دهه اخیر، هزینه واقعی مخارج غیر خوراکی این گروه از خانوارها افزایشی از خود نشان نمی دهد. البته نگاهی به اجزای این هزینه ها در جدول شماره شش مشخص می کند که افزایش هزینه واقعی کالاهایی همچون حمل و نقل، تحصیل و آموزش و ... با کاهش هزینه ای همچون لوازم و اثاثیه که سهم بالایی را در این هزینه ها داشته، جبران شده است.

جدول شش: رشد اقلام عمده هزینه سالانه غیر خوراکی خانوارهای روستایی در دوره ۱۳۶۱-۱۳۸۰

شرح	سال ۶۱ ریال جاری	سال ۸۰ ریال جاری	سال ۶۱ ریال سال ۶۹	سال ۸۰ ریال سال ۶۹	رشد واقعی
پوشاک و کفش	۶۴۴۰۲	۱۵۷۴۰۷۱	۲۱۶۶۱۸	۱۲۶۹۴۱	-۴۱/۴٪
مسکن	۶۲۴۶۶	۲۹۷۲۵۵۸	۲۲۰۷۲۸	۲۳۹۷۲۲	+۸/۶٪
لوازم اثاثیه و ملزومات و خدمات خانوار	۳۶۹۹۲	۱۳۵۶۴۷۶	۱۳۰۷۱۴	۱۰۹۳۹۳	-۱۶/۳٪
بهداشت و درمان	۱۹۹۷۸	۱۰۷۳۰۴۳	۷۰۵۹۴	۸۶۵۳۵	+۲۲/۶٪
حمل و نقل و ارتباطات	۲۱۱۵۱	۱۲۳۴۳۰۳	۷۴۷۲۸	۹۹۵۴۰	+۳۳٪
تحصیل و آموزش	۲۶۸۸	۱۹۸۴۳۳	۹۴۹۸	۱۶۰۰۳	+۶۴/۸٪
کل هزینه های غیر خوراکی	۲۳۳۵۴۶	۱۰۱۶۲۵۹۸	۸۲۵۲۱۵	۸۱۹۵۶۴	-۰/۶٪

مأخذ: محاسبه شده بر اساس آمار سالنامه های آماری سال ۱۳۶۱ و ۱۳۸۰. نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی

محاسبه سهم کالاهای خوراکی در بودجه خانوارهای شهری و روستایی نشان می دهد که سهم این کالاها در بودجه خانوارهای شهری و روستایی از ۴۰ درصد و ۵۳ درصد در سال ۱۳۶۱ به ۲۵ درصد و ۴۱ درصد رسیده است. اگر چه این ارقام می تواند نوید بخش بهبود اوضاع تلقی شود، اما باید توجه داشت که کاهش سهم کالاهای خوراکی در بودجه آن زمان مطلوب تلقی می شود که این پدیده هنگام افزایش مصرف رخ داده باشد و به دلیل سرعت بیشتر رشد کالاهای غیر خوراکی، چنین رخدادی مشاهده شود؛ اما در ایران این اتفاق نیفتاده است، بلکه کاهش سهم کالاهای خوراکی به دلیل کمتر مصرف کردن کالاهای خوراکی و افزایش فقر و نداری بوده است.

۵) افزایش مصرف خانوارها به بخشهای اقتصادی

وضعیت رفاه اقتصادی خانوارها را می توان از این دید نگریست که توجه آنان چقدر نسبت به بخشهای مختلف اقتصاد ملی تغییر کرده است. مطالعه دقیق بودجه خانوارها از این دیدگاه که مصرف آنها مرتبط با بخشهای اقتصادی بوده، نشان می دهد که تحولات قابل

ملاحظه‌ای در این باره رخ داده است. دو جدولهای شماره ۷ و ۸ نشان می‌دهد که طی دهه هفتاد، توجه مصرف خانوارهای شهری یکسره از بخش صنعت به بخش خدمات جلب شده است.

جدول هفت: رشد هزینه واقعی کالاهای صنعتی در سید کالاهای غیر خوراکی خانوارهای شهری

شرح	۱۳۷۰-۷۳	۱۳۷۳-۷۹	۱۳۷۹-۸۰
پوشاک و کفش	-۲۱/۵٪	-۱۰/۷٪	-۵/۷٪
لوازم و اثاثیه و ملزومات	۵/۶٪	-۶/۴٪	۹/۷٪
جمع	-۱۲٪	-۹٪	۰/۹٪

مأخذ: محاسبه شده بر اساس سالنامه های آماری مرکز آمار ایران

جدول هشت: رشد هزینه واقعی کالاهای خدماتی در سید کالاهای غیر خوراکی خانوارهای شهری

شرح	۱۳۷۰-۷۳	۱۳۷۳-۷۹	۱۳۷۹-۸۰
بهداشت و درمان	۲۲/۸٪	۳۸/۸٪	۸/۶٪
حمل و نقل و ارتباطات	۱۴/۶٪	۵۸/۹٪	۱۴٪
تحصیل و آموزش	۳۰/۳٪	۲۱٪	۸/۶٪
خدمات متفرقه	۰/۹٪	۱۵۲٪	۲۱٪
جمع	۱۶٪	۶۳٪	۱۵٪

مأخذ: محاسبه شده بر اساس سالنامه های آماری مرکز آمار ایران

این جدول نشان می‌دهد که خانوارهای شهری در دهه هفتاد، مصرف کالاهای صنعتی خود را کاهش و مصرف کالاهای خدماتی خود را به شدت افزایش داده‌اند. بی‌گمان، چنین تغییر ساختاری و روی آوردن خانواده‌ها از کالاهای صنعتی به کالاهای خدماتی ناشی از فقر است و کاهش رفاه اقتصادی خانوارها را نشان می‌دهد؛ زیرا آنها برای تخصیص بودجه ناچارند بهداشت و درمان، تحصیل و آموزش و حمل و نقل را در اولویت قرار دهند و سپس کالاهایی همچون پوشاک و کفش، لوازم و اثاثیه منزل بخیرداری کنند.

نتیجه این پدیده به خوبی مشخص است. خانوارها از مصرف بسیاری از کالاهای صنعتی و حتی کشاورزی* خود می‌کاهند تا هزینه کالاهای ضروری خود را تأمین کنند و همین پدیده، رکود ساختاری در بازار ایجاد می‌کند و در عوض، بازار کالاهای عمومی که رو به خصوصی شدن رفته است، رونق می‌یابد.

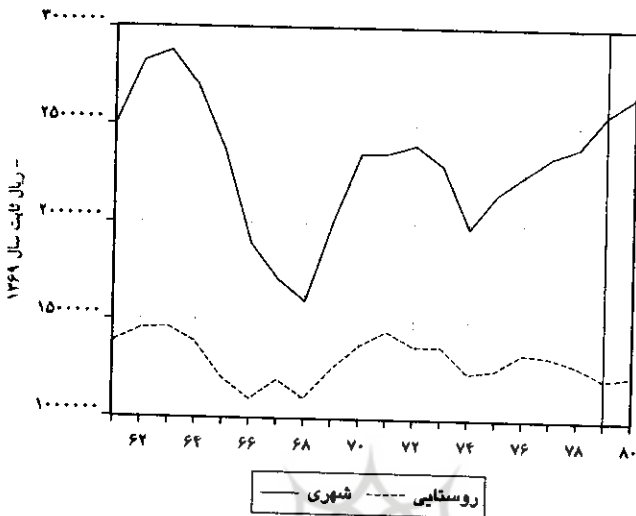
۶) وضعیت درآمدی خانوارهای شهری ایران

متوسط درآمد سالانه خانوارهای شهری (به قیمت‌های ثابت) برای سالهای ۱۳۶۱-۱۳۸۰ محاسبه و در نمودار شماره ۳ منعکس شده است. با توجه به روند درآمدی تجربه شده توسط خانوارهای کشورهای توسعه یافته، چنین انتظار می‌رود که درآمد واقعی آنها طی زمان و همراه با اجرای برنامه‌های توسعه افزایش یابد و به تدریج نوسانات درآمدی به حداقل برسد. به عنوان مثال، روند این تغییر در بیشتر کشورهای آسیای شرقی همچون مالزی، کره جنوبی، تایوان و ... رشد سالانه‌ای حدود چهار تا شش درصد داشته است. این نرخ رشد کمتر نوسانی از خود نشان داده است. این در حالی است که چنین مسئله‌ای به هیچ صورت درباره وضعیت درآمدی خانوارهای شهری ایران صدق نمی‌کند. در این نمودار به خوبی مشاهده می‌شود که در دوره مورد مطالعه، نه تنها برای درآمد واقعی خانوارها روندی فزاینده و مداوم یافت نمی‌شود، بلکه متوسط درآمد واقعی خانوارهای شهری در سال ۱۳۸۰، هم سطح درآمد آنها در سال ۱۳۶۱ بوده است.

بررسی درآمد واقعی خانوارهای روستایی نیز در نمودار یاد شده نشان می‌دهد که این درآمد ها پس از گذشت دو دهه، نزدیک به ده درصد کاهش یافته است. بی‌گمان، این پدیده نیز به خوبی نشان از کاهش رفاه اقتصادی خانوارها دارد.

* دلیل آنکه کاهش مصرف کالاهای کشاورزی نشان داده نشده، این است که به سختی می‌توان از بودجه خوراکی خانوارها فهمید چه کالاهایی به طور صرف، متعلق به بخش کشاورزی بوده است. به هر حال، با کاهشی که مصرف کالاهای خوراکی خانوارها داشته است به یقین می‌توان ادعا کرد که مصرف کالاهای مربوط به بخش کشاورزی در بودجه خانوارها پایین آمده است.

نمودار سه: مقایسه درآمد واقعی خانوارهای کشور



از مقایسه همزمان درآمد خانوارهای شهری و روستایی می توان شکاف درآمدی میان این دو گروه را مشاهده کرد و دریافت این شکاف درآمدی که به دلیل افت به نسبت درآمد خانوارهای شهری در سالهای دهه شصت کاهش یافته بود، دوباره از سال ۱۳۷۶ به بعد، رو به افزایش نهاده است. در حقیقت، در سال ۱۳۶۱، درآمد خانوارهای شهری ۱/۸ درصد برابر خانوارهای روستایی بوده که این رقم در سال ۱۳۶۷ به ۱/۴ درصد کاهش یافته و در سال ۱۳۸۰ به ۲/۱ درصد رسیده است. بدین ترتیب، چنین نتیجه گیری می شود که شکاف رفاه اقتصادی میان خانوارهای شهری و روستایی به صورت خیره کننده ای رو به افزایش است که همین پدیده می تواند عوارض اقتصادی و اجتماعی جانبی در پی داشته باشد.

۷) اوضاع اقتصادی خانوارها در سال ۱۳۸۰

هر چند اوضاع رفاه اقتصادی در سال ۱۳۸۰ نسبت به دو دهه گذشت بررسی شده است. اما برای اینکه چشم انداز مشخص تری از آن به دست آید، جدول شماره ۹ خلاصه

تحولات درآمد و هزینه خانوارهای شهری و روستایی در سال یاد شده را نسبت به سال ۱۳۷۹ منعکس می کند.

جدول نه : وضعیت اقتصادی خانوارهای کشور در سال ۱۳۸۰

شرح	خانوارهای شهری	خانوارهای روستایی
متوسط رشد درآمدها	+ ۲/۴٪	+ ۱/۵٪
متوسط رشد مصرف کالاهای خوراکی	- ۵/۵٪	- ۷/۱٪
متوسط رشد مصرف کالاهای غیر خوراکی	+ ۷/۸٪	+ ۲٪

مأخذ : محاسبه شده براساس سالنامه های آماری سال ۱۳۸۰ مرکز آمار ایران

این جدول نیز نشان می دهد روند کاهنده مصرف کالاهای خوراکی خانوارهای کشور همچنان ادامه دارد. اما در عوض مصرف کالاهای خوراکی رشد خود را حفظ کرده است. بررسیهای بیشتر نشان می دهد که همچون سالهایی که به آن اشاره رفت، دلیل عمده این رشد، افزایش مخارج مربوط به کالاهای عمومی بوده است.

مطالعات بیشتر نیز حاکی از آن است که متوسط کسری بودجه خانوارهای شهری از چهار درصد درآمد در سال ۱۳۷۹ به ۷ درصد در سال ۱۳۸۰ افزایش یافته است. در همین حال، متوسط کسری بودجه خانوارهای روستایی از رقم ۳۲ درصد درآمد آنان در سال ۱۳۷۹ به ۲۵ درصد در سال ۱۳۸۰ که همچنان عددی تکان دهنده بوده، رسیده است. به بیان واضح تر، به طور متوسط در سال ۱۳۸۰، خانوارهای شهری به اندازه ۷ درصد درآمد خود و خانوارهای روستایی به اندازه ۲۵ درصد درآمد خود کسری بودجه داشته اند.

به این ترتیب می توان درباره اوضاع رفاه اقتصادی خانوارها در سال ۱۳۸۰ بهتر قضاوت کرد.

بررسیهای صورت گرفته در این نوشتار نشان می دهد که رفاه اقتصادی خانوارهای کشور در دو دهه اخیر دچار افت و بحران هشدار دهنده ای بوده است. بررسی سال ۱۳۸۰ به طور مشخص نیز نشان این واقعیت است که این روند نگران کننده با وجود افزایش درآمدهای

نفتی در پایان دهه هفتاد و بهبود نسبی شرایط اقتصاد ملی، تداوم داشته است. شکاف رفاهی میان خانوارهای شهری و روستایی رو به افزایش است.

بدیهی است که باید آثار این فقر و کاهش رفاه اقتصادی را در مسائل و مشکلات اقتصادی و اجتماعی کشور جست و جو کرد. چنانچه برای این معضل چاره اندیشی نشود، شرایط اشاره شده نامناسب تر خواهد شد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

- ۱- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ، نماگرهای اقتصادی .
- ۲- نخجوانی ، سید احمد ، (۲۹ مرداد ، ۱۳۸۱) ، «نابرابری های پنهان در اقتصاد ایران» روزنامه همشهری .
- ۲- مرکز آمار ایران ، (۱۳۸۰ - ۱۳۶۱) ، سالنامه های آماری مرکز آمار ایران .
- 4- Jikun Huang and Howarth Bouis , **Structural Changes in the Demand of Food in Asia**, International Food Policy Research Institute , Dec, 1996.
- 5- Phil Kenel and Frey, **Trends in Food Consumption and the Food Product Industry** , Oklahoma Cooperative Extension Service.

